**مقاله نویسی در روزنامه نگاری معاصر**

مقاله های مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی عنصر اساسی روزنامه نگاری آرمانی به شمار می روند این روزنامه نگاری بر عملکرد تاریخی مطبوعات عقیدتی و سیاسی غربی که پس از پیشرفت اندیشه های روشنگری در نیمه دوم قرن هیجدهم در برابر مطبوعات رسمی استبدادی پدید آمدند استوار است . این روزنامه نگاری عامل اصلی ایجاد فضای عمومی جواع اروپای غربی بر محور استدلال عقلایی و مباحثه انتقادی شناخته می شود.

اصول بنیادی دموکراسی جدید همچون حاکمیت مردمی ، انتخابات عمومی و حکومتهای انتخابی نیز از نتایج علنی سازی تصمیمات و اقدامات و انتشاردهی افکار و عقاید در صفحات روزنامه ها معرفی می گردند.

از مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی به عنوان رکن چهارم دموکراسی در کنار ارکان سه گانه دیگر آن شامل قوه مقننه ، مجریه و قضاییه یاد می شود.

**تحول روزنامه نگاری و فضای عمومی در غرب**

در اعلامیه حقوق بشر وشهروند فرانسه 1789 برای تعریف ازادی مطبوعات برانتشار ازادانه افکار و عقاید تکیه می شود و از اشاره به اطلاعات خود داری می شود.

عصر کوتاه مطبوعات ارمانی از اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم بود پس از آن عصر مطبوعات خبری تجارتی فرا رسید و از توجه به مطالب انتقادی و تحلیلی و تفسیری کاسته شد.

روزنامه پرکیفیت یا همان رونامه عقیدتی تعداد آنها محدود و تیراژ پایین است در کنار اخبار جاری به ارائه مطالب تفسیری و انتقادی می پردازد.

روزنامه عامه پسند یا خبری که بیشتر به عرضه خبرها و تصویرهای مربوط به رویدادهای هیجان انگیز همچون جنایتها ، رسوایی، زندگی چهرهای مشهور می پردازد .

از اواسط قرن نوزدهم در شرایط پیشرفت سرمایه داری و تمرکز اقتصادی موسسات مطبوعاتی ،جوامع غربی دگرون رنگ انتقادی گرفت.به گونه ای فرایند عقلایی افکار عمومی رو به ضعف گذاشت و به وازات ظهور دولت رفاه طلب و تبلیغات سیاسی و مهندسی اجتماعی مورد نظر آن از طریق وسایل ارتباط جمعی به جای فضای عمومی سالم ، یک فضای عمومی کاذب ایجاد شد.

مطبوعات زرد برای جلب خوانندگان بیشتر در اغاز جنگ امریکا با اسپانیا بر سر کوبا رشد کرد.

والتر لیپمن روزنامه نگار امریکایی از عملکرد منفی روزنامه های امریکایی در گزارش رویدادهای انقلاب بلشویکی روسیه انتقاد کرد و بر ضرورت دگرگونی روزنامه نگاری ذهنی گرای موجود و تبعیت از روزنامه نگاری عینی تاکید کرد.

**اصول روزنامه نگاری عینی :**

لزوم جدایی بین ذهنیت فردی خبرنگار و عینیت واقعه یا مساله مورد گزارش ، تاثیر ندادن احساسات و تمایلات شخصی و دعایت بی طرفی در کسب و انتشار اخبار

**مهم ترین مبانی حرفه ای روزنامه نگاری از نگاه اصول اخلاقی و حرفه ای انجمن امریکایی :**

حقیقت جویی، صحت گرایی ، استقلال و بیطرفی ، احترام به حیثیت فردی ،احساس مسئولیت در برابر مصالح عمومی

مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی به عنوان رکن چهارم دموکراسی مطرح است .

روزنامه نگاری تشریحی در دهه سوم قرن بیستم به موازات تشویق روزنامه نگاری عینی در امریکا توسعه یافت .هدف این شیوه که با تاسیس مجله خبری تایم در سال 1992 رشد یافت پر کردن خلا مطالب تشریحی و تفسیری ، ارائه گزارش های خبری دقیق تر ،منظم تر و تشریح و تفسیر رویدادهاو بیان علل و اثار اجتماعی وقایع است.

در دوره جنگ جهانی دوم در حالیکه حدود یک قرن از پیشرفت و گسترش روزنامه خبری تجارتی می گذشت در امریکا کمیسیون ازادی مطبوعات جهت تاکید بر مسئولیت اجتماعی تشکیل شد.

**وظایف رسانه ها از نظر کمیسیون ازادی مطبوعات**

1. گزارش حقیقت امیز ، قابل درک و هوشمندانه رویدادهای روز
2. عرضه وسیع اندیشه های مختلف اجتماعی
3. ارائه تصویرهای معرف گروههای مختلف جامعه و توجه به ارزشها و ارمانها هر گروهو خودداری از عرضه تصویرهای قالبی
4. معرفی هدفها و ارزش های جامعه
5. تدارک دستیابی کامل به اطلاعات روز

**نقش و وظایف اجتماعی وسایل ارتباط جمعی**

الف: نظارت بر محیط یا نقش خبری

ب: همبستگی اجتماعی یا نقش تفسیر و راهنمایی

پ: انتقال میراث فرهنگی یا نقش آموزشی

**نقش های سه گانه وسایل ارتباط جمعی از نظر ویلبر شرام استاد ارتباطات امریکایی:**

1. نگهبان 2- راهنما 3- معلم

اندیشه مکتوب بی تردید، از اولین آثاری است که بشر پس از پیدایش زبان مکتوب از خود باقی گذاشته است. ارائه افکار مکتوب متفکران و دانشمندان، نه تنها در زمان خود سبب رشد و تعالی جامعه بشری شد، بلکه گذشت زمان نیز نتوانست در شکوفایی افکار و خلاقیت ذهن بشر متفکر، تأثیر بسزا بگذارد. اندیشه مکتوب همواره در معرض دید و داوری قرار می گیرد و از جنبه تاریخی نیز نشانگر طرز تفکر، زندگی و پیشرفت های علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. مقاله ها و رساله های به جای مانده از دانشمندان و متفکران گذشته گواه بارزی هستند بر این امر که انسان از دیرباز علاقه مند به گسترش و بسط اندیشه های خویش بوده است. آنچه در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت اندیشه های مکتوب در مطبوعات در قالب نگارش مقاله های مطبوعاتی است.  
مقاله نویسی در مطبوعات یا مقاله مطبوعاتی از ابتدای پیدایش روزنامه نگاری تاکنون دستخوش تغییرات از نظر روش و فن نگارش و نیز تقسیم بندی های گوناگون شده است. با نگاهی به سوابق تاریخی روزنامه نگاری در ایران نیز این تغییرات به خوبی نمایان می شوند.

در نگارش یک مقاله خبری تحقیقی ابتدا حقایق مورد نظر و نمونه ها و مثال های مربوطه مطرح می شود. سلسله ماجرا یا مراحلی که نویسنده با مطرح کردن آنها قصد تشریح موضوع مورد نظرش را دارد ممکن است نوعی پیچیدگی در نوشته ایجاد کند. اگر در بازخوانی مقاله ای احساس پیچیدگی بیشتر شد مقاله نیاز به تحقیق بیشتر و کاوش در تشریح دارد. اما در مقاله های با سوژه تحلیلی، گاه گره پیچیدگی عمدی است و ابهام به ماجرا و گیرایی مقاله کمک می کند مثلا در مورد یک عادت اجتماعی .

هر مقاله باید دارای 3 ارزش خبری باشد1- دید نویسنده     2- سبک نوشته      3- نثر مقاله

مقاله نویسان از این سه عامل مهم به عنوان شناسه مقاله های خود در جراید استفاده کردند

مقاله نویسان برای مقاله نویسی قایل به مراحلی شده اند :

1. دقت نظر در موضوع و تفکر در اطراف مسئله
2. یادداشت رئوس مسئله
3. تنظیم یادداشتها
4. نوشتن بندها
5. اصلاح مقاله
6. پاکنویس
7. خواندن پاکنویس
8. ذکر منابع موضوع یابی

مقاله هاي مطبوعات و ساير وسايل ارتباط جمعي كه به منظور تشريح ، تجزيه و تحليل و تفسير وقايع و مسائل اجتماعي و ارائه افكار و عقايد عمومي ، عرضه مي شوند ، عنصر اساسي روزنامه نگاري آرماني بشمار مي روند . در طبقه بندي وظايف اجتماعي وسايل ارتباط جمعي ، كه در سال 1948 بوسيله « هارولد لاسول» محقق و متخصص معروف علوم سياسي و ارتباطات ايالات متحده ، عرضه شد، نيز براي تجزيه و تحليل و تفسير و تشريح رويدادها و مسائل عمومي كه از طريق مقاله هاي مطبوعات و ساير وسايل ارتباطي صورت مي گيرند ، مقام مهمي پيش بيني گرديده است. وي در مقاله اي ،  تحت عنوان « ساختار و كاركرد ارتباطات در جامعه » در مورد ارتباطات جمعي ، سه نقش متمايز ، قائل شده است:

**الف : نظارت بر محيط :** نقش خبري . به عقيده لاسول يكي از نقشهاي مهم وسائل ارتباط جمعي « نظارت بر محيط» زندگي انساني است . اين وسايل ، با تهيه و پخش اخبار و اطلاعات  ، افراد جامعه را با محيط زندگي خود آشنا مي كنند و بدين گونه آنان را آماده مي سازند تا از محيط خود ، اطلاع كافي بدست آورند و عكس العملهاي لازم را براي انطباق با آن نشان مي دهند .

**ب: همبستگي اجتماعي :** نقش تفسير و راهنمايي . دومين نقشي كه اين محقق آمريكائي براي وسايل ارتباط جمعي در نظر گرفته ،« همبستگي اجتماعي » است . اين نقش ، مكمل نقش قبلي است و با توجه به ضرورت نظارت بر محيط ، لزوم همبستگي افراد را در اين مورد يادآوري مي كند . در اين زمينه  ، تجزيه و تحليل و تفسير رويدادهاي مسائل زندگي جمعي و همچنين راهنمايي افكار عمومي و نيز تبليغات سياسي ، براي همبستگي اجتماعي ، اهميت خاص دارند .

**پ: انتقال ميراث فرهنگي :** نقش آموزشي . نقش سوم مورد نظر« هارولد لاسول» براي وسايل ارتباط جمعي ، كمك به « انتقال ميراث فرهنگي » جامعه از نسل هاي گذشته به نسل هاي آينده است . زيرا هر نسلي براي ادامه زندگي ناچار است كه از تجربيات نسل هاي قبل استفاده كند و وسايل ارتباطي با انتخاب و ارائه ارزشها و معيارهاي فرهنگي نسل هاي گذشته ، به نسل معاصر آموزش  مي دهند.

      بررسي مطبوعات نخستين كشور ، نشان مي دهد كه مقاله ركن اساسي روزنامه نگاري را تشكيل مي داده است . در روزنامه كاغذ اخبار كه اولين شماره آن در روز دوشنبه 25 محرم الحرام سال 1253 قمري ( برابر با سال 1216 هجري شمسي و 1837 ميلادي ) چاپ شد، اگر چه  به معناي امروزي مقاله اي چاپ نشده بود اما شكل خبرنويسي آن بيشتر به مقاله نويسي شباهت داشت.

**مقاله مطبوعاتي**

      نويسنده مطبوعات يا مقاله نويسي كه قلم بدست مي گيرد تا در مورد يك رويداد خبري نظر خود را بنويسيد ، در واقع انديشه خود را مكتوب مي كند هر چند كه براي نگارش انديشه و فكر نيازمند باشد تا از نظرات ديگران و اطلاعات مكتوب از منابع ديگر ، براي پروراندن نظر خود ياري بگيرد . بدين ترتيب مي توان براي مقاله كه انديشه مكتوب نام گرفته است تعريفي ارائه كرد:

**« نگارش و توسعه  عقيده ، فكر و نظر با استفاده از موضوع خبري و بهره گيري از روشهاي صحيح نويسندگي ، با رعايت نظمي منطقي و ايجاز ، مقاله مطبوعاتي ناميده مي شود»**

**ويژگيهاي مقاله هاي مطبوعاتي**

        تفاوتهاي عمده بين مقاله هاي انشايي و مقاله هاي مطبوعاتي در ايجاز يا كوتاهي مقاله مطبوعاتي و اخباري بودن آن است . يك  مقاله انشايي كه بطور مثال دربارة موضوع هاي غير خبري نگارش مي شود هيچ محدوديتي نيز ازنظر اندازه ندارد. در گذشته همه نويسندگان و دانشمندان ، مقاله هاي بي شمار انشايي نگارش كرده اند ، مثلاً مقاله اي  درباره نحوه تربيت شاهزادگان ، هيچ معيار و محدوديت جا نداشت. اكنون هم از اين نوع مقاله ها نگارش مي شود كه بصورت مجموعه اي در يك كتاب يا بصورت منفرد در قالب يك رساله يا جزوه به چاپ مي رسد . اگر هم چنين مقاله هايي به مطبوعات هم راه يابند قدر مسلم در صفحات خبري از آنها استفاده نمي شود . بنابر اين  تفاوت هاي عمده مقاله هاي انشايي و مطبوعاتي در اندازه آنها و ميزان ارتباط با خبر است .

       ويژگي مقاله هاي مطبوعاتي نخست اخباري بودن آن است يعني هر نظر و عقيده اي كه مكتوب مي شود بايد در ارتباط با خبر باشد وطبعاً جايگاه اين نوع مقاله ها در مطبوعات به نحوي است كه نمي تواند طولاني باشد ، به همين دليل دومين ويژگي مقاله هاي مطبوعاتي در ايجاز و كوتاهي آن است .

**اركان مقاله نويسي**

     در علم روزنامه نگاري از مقاله بعنوان حساس ترين ركن نام برده مي شود . اركان و ساختار هر مقاله مطبوعاتي علاوه بر ويژگيهاي ايجاز و اخباري بودن شامل موارد زير است و رعايت آنها در نگارش مقاله مطبوعاتي الزامي است

**1-وحدت موضوع**: يعني حفظ موضوع ( سوژه ) خبري واحد كه مقاله بر اساس آن نوشته مي شود .

**2- وحدت زمان :**به معناي حفظ و ثبات زمان مقاله است . مخاطب مقاله بايد با زمان مقاله رابطه برقرار كند و زمان آن برايش قابل لمس باشد. اين ركن به تازگي خبر كه مقاله در مورد آن نوشته    مي شود هم ارتباط پيدا مي كند .

**3- وحدت مكان :** يعني حفظ مكان واحد در مقاله. همانگونه كه زمان مقاله بايد براي مخاطب آشنا باشد،  مكان نيز بايد براي مخاطب معلوم و آشنا  باشد و خواننده بتواند با احساس قرابت ، با آن ايجاد ارتباط كند به همين دليل نبايد از ظرف مكان خارج شد و وحدت آن را ناديده گرفت .

**4-انسجام:**حفظ و يكپارچگي جزء به جزء مقاله انسجام است ، بطوريكه خواننده با سطور مختلف مقاله از شاخه اي به شاخه اي ديگر پرانده نشود و چون يك قطعه شعر ، نظمي خاص را شاهد باشد.

**5- استنتاج :**هر مقاله مطبوعاتي بايد مبتني بر وحدت موضوع، وحدت مكان ، وحدت زمان و انسجام باشد و در پايان ، پيام مقاله ، راه حل يا پيشنهاد آن در خلاصه ترين و روشنترين شكل به خواننده ارايه شود. ارايه پيام با استفاده از چهار ركن ياد شده همان «استنتاج» مقاله است .

**انواع موضوع مقاله نویسی**  
موضوع یک مقاله می تواند عینی، ذهنی و ملهم از شخصیتی باشد؛ موضوعات عینی می تواند در حوزه های سیاسی، اقتصادی، هنری، ورزشی، فرهنگی و... باشد. منظور از عینی بودن، مسائلی است که اغلب افراد یک جامعه با آن درگیر هستند و برای همگان قابل درک است. موضوعات ذهنی شامل موضوعات فلسفی، اعتقادی و تخیلی است که به ازای خارجی نداشته و مصداق اندیشه خالص است. موضوعات شخصیتی می تواند شامل معرفی یک شخصیت، نقد و بررسی ویژگی های او، تجلیل، یادبود و شرح زندگی نامه او باشد.

**موضوع یابی:**

 الف :خاطره و تجربه،تجربه دیگران،رادیو،تلویزیون(سخنرانیها،سمینارها،....)،نشریات و آگهی های تبلیغاتی

1-خاطره و تجربه: یادآوری خاطره و بازگویی تجربه ای بدست آمده راهی برای یافتن موضوع برای مقاله نویسی است.نگاه به دفترچه یادداشت هر خبرنگار برای نت برداری از حوادث – کند و کاو و کنجکاوی در مسایل ضروری روزمره و خاطرات منابع سرشاری برای سوژه مقال نویسی هستند.

2- تجربه دیگران:روزنامه نگار شریک دنیایی دیگران است گفت و گوها در مجالس و محافل عمومی،سالن های سینما مکالمات پراکنده در تاکسی و اتوبوس با مسافرین گفت گوی میان افراد موضوعات مناسبی برای مقاله نویسی هستند.

3-بهره گیری از نشریات: مقاله نویس باید در جریان مداوم اخبار و وقایع باشد تا ضمن تقویت حافظه و دید خبری به سوژه خود از زوایای مختلف بپردازد.

4-آگهی های تبلیغاتی : بیش از نیمی از صفحات جراید را آگهی تشکیل می دهند که موضوع های ناب برای مقاله نویسی هستند.(آگهی شاگرد اول ها،ترحیمها،تودیعهاو.....)که نه تنها سوژه مناسب مقاله نویسی بلکه یک پدیده جدید اجتماعی مطرح می باشد.

ب : شناخت موضوع-انواع موضوع:

1-عینی:  همه سوژهای سیاسی،اقتصادی،هنری و فرهنگی که برای همگان یکسان معنا می شود ( مشکلات آموزشی در مدارس یا واردات مواد غذایی)

2– ذهنی و مبهم :موضوع های که مادی و ملموس نیست  و هر شخص برداشت متفاوتی دارد.

3- طراحی یک شخصیت

تکنیکهای مقاله نویسی :ا

لف : شروع یا مقدمه مقاله: (ویترین مقاله) ضمن جلب نظر و توجه خواننده به مطالعه ، نکته جدید و تازه ای نیز باشد و همین تازگی است که به مقاله جذابیت می دهد.

 1- ساده،مستقیم خبری  : نویسنده در مقدمه موضوع را برای خواننده مطرح کرده یاخبری را که در مورد آن نظر می دهد می گوید و در یکجریان منطقی-تشریحی با نتیجه گیری مقاله را به پایان می برد

2- نقل قول و اقتباس از افکار و عقاید دیگران     افکار مشهیر علمی،ادبی،مذهبی و .... و یا یک فرد غیر مشهور و عادی هم باشد در هر حال نقل قول باید در ارتباط با موضوع مقاله باشد.

3- امثال و حکم(حکایت،روایت و مثل)

4- شعر

 5- وصفی : برای توصیف یک واقعه یا صحنه و عینیت بخشیدن به موضوع و خواننده را در صحنه قرار دادن مورد استفاده قرار می گیرد.

ب:نگارش مقاله؛ جمع آوری اطلاعات

ج:متن مقاله

**انواع مقاله هاي مطبوعاتي**

انواع مقاله هاي مطبوعاتي در يك تقسيم بندي كلي عبارتند از :

الف- مقاله هاي ساده خبري شامل :

1-  سرمقاله 2-  يادداشت 3- تفسير و اظهار نظر 4-  تحليل و تشريح 5-  نقد مطبوعاتي

ب- مقاله هاي تخيلي ، داستاني ، وصفي

ج- مقاله هاي تحقيقي ، آماري ، علمي و مستند

**الف ) مقاله هاي ساده خبري**

      مقاله هاي ساده خبري ، مقالاتي هستند كه جنبه اخباري آنها مورد توجه است يعني فاصله رويداد خبري با مقاله اي كه در مورد آن نوشته مي شود ، تقريباً همزمان است. خبري رخ مي دهد و روزنامه خبر را درج مي كند مقاله نيز بايد در همان شماره نگارش شود تاخواننده ازكم و كيف رويداد بطورروشنتري آگاهي يابد وبه عبارت ديگر مقاله هاي ساده خبري درباره موضوع هاي روز نوشته مي شود .

**1- سرمقاله**

       سرمقاله آينه افكار گردانندگان نشريه است .طبعاً اين رسالت يعني نگارش سرمقاله بر عهده روزنامه نگاراني گذاشته مي شود كه قادر باشند افكار و نظرات مسئولان نشريه را دربارة مسائل و موضوع هاي مهم خبري روز در ستون ويژه «سر مقاله» منعكس كنند.

       سرمقاله عبارت است از : مقاله اي كه در يك روزنامه يانشريه هفتگي يا ماهانه يا راديو و تلويزيون بوسيله سر دبير يا يكي از روزنامه نگاران مجرب نوشته مي شود .  هدف ازاستدلال و احتجاج درباره يك موضوع، يك رويداد ، يك مسئله  يا صرفاً ابراز عقيده و نظر درباره رويدادي خاص است . بعبارت روشنتر ، سرمقاله آينده فكر و عقيده بي غرضانه سر دبير يا  ناشر درباره موضوعي (رويداد خبري) خاص است . هرچند كه در برخي نشريات سر مقاله با عناوين ديگري نظير « طليعه» ،« سخن روز» ،« سرآغاز» ، « اول دفتر» و مانند اينها نوشته مي شود ، اما بايد خواننده به روشني تشخيص دهد مقاله ياد شده ،« سرمقاله» يا نظر رسانه مورد رويداد خبري خاص است .

**2- يادداشت و نظر**

 يادداشتها مقالاتي اند كه معمولاً در مطبوعات جاي ثابتي ندارد و با عناوين گوناگوني درج  مي شوند . فراگيري اين مقاله ها از نظر موضوع خبري بسيار متنوع است و محدوده خاصي ندارند. موضوع هاي گوناگوني نظير مسائل شهري ، روابط انساني ، مشكلات اجتماعي ، حوادث كوچك و بزرگ ، اظهار نظر در مورد رويدادهاي مختلف ورزشي ، هنري ، فرهنگي و ... مورد بحث ومداقه و اشاره قرار مي گيرد . نثر اين مقاله ها نيز بر خلاف سر مقاله كه الزاماً بايد وزين و متين باشد ،  محدود به نثر خاصي نيست . نثر كلاسيك و جدي ، طنز ، هزل ، فكاهه و ... در اين مقاله ها بستگي به ذوق ، قريحه و سبك نويسنده دارد و انتقاد نيز در آنها جايگاه ويژه اي را داراست .

يادداشتها ، با عناوين ديگري نيز چون « روز شمار »  ، « ياداشت روز » در روزنامه ها و « يادداشت هفته در هفته نامه ها » و «يادداشت ماه » در ماهنامه ها و... مطرح مي گردند.

**3- تفسير**

        گزارش اخبار و وقايع همراه با ارايه عقيده و نظر نويسنده و پاسخ به عنصر خبري « چرا ؟» تفسير ناميده مي شود . با اين تعريف مي توان چنين نتيجه گرفت كه نويسنده در تفسير رويداد ها و وقايع، نظر خود را بيان مي كند و صرفاً عقيده اش را درباره رويداد خبري مورد نظر ارائه مي دهد . حال ممكن است اين رويداد خبري ، رخ داده باشد يا در آينده رخ دهد. در هر حال نويسنده مي گويد « چرا» اين رويداد به وقوع پيوسته است يا « چرا»در آينده به وقوع خواهد پيوست يا رخ نخواهد داد .

        پيش بيني مفسر پيشگويي نيست  ،  پيش بيني بر اساس شواهد ، مدارك و تجربه است كه در برخي مواقع با ياد آوري رويدادهاي مشابه درگذشته ، شكل مي گيرد . قلمرو تفسير و اظهار نظر نيز مسائل مختلفي اعم از سياسي ، اقتصادي و اجتماعي را در بر مي گيرد و به موضوعي خاص محدود نمي شود هر چند كه در عرف جاري روزنامه نگاري همراه با واژه تفسير معمولاً رويدادهاي سياسي تداعي مي شود و البته بيشتر تفسير ها نيز سياسي است .

       گفتيم كه مفسر ،  به عنصر « چرا» پاسخ مي دهد . اما پاسخ به اين عنصر خبري نيازمند آگاهي وسيع و تسلط بر اخبار و رويدادها و همچنين احاطه بر سابقه رويداد است . بدون آگاهي نمي توان تفسيرنوشت زيرا اگر مفسر نتواند مخاطبان خود را با آنچه به عنوان تفسير مي نويسد هماهنگ و همراه كند ، شكست خورده است . اگر پاسخ « چرا» فقط يكبار نادرست از كار درآيد ، مفسر براي هميشه در زندگي حرفه اي خود  ناكام مي ماند .

**4- تحليل و تشريح**

      تحليل مقاله اي است كه صرفاً بر اساس اطلاعات خبري شكل مي گيرد و گزينش اين اطلاعات به نحوي است كه به نتيجه مورد نظر نويسنده منتهي مي شود . بعبارت ديگر ، تحليل مقاله اي است كه نويسنده در آن مي كوشد تا علل و موجبات و چگونگي وقوع اخبار و رويدادها را بدون آنكه نظر شخصي خود را مداخله دهد ، شرح و بيان   كند و به عناصر خبري « چرا» و «چگونه» توامان پاسخ گويد .

     تحليلگر در نگارش مقاله تحليلي و تشريحي صرفاً بر پايه اطلاعات و اخباري كه جمع آوري كرده است ، به عناصر « چرا» و « چگونه » پاسخ مي گويد و در اين جا هر اندازه كه اطلاعات و اخبار كاملتر  و جامعتر باشد ، قدرت استدلال بيشتر مي شود و خواننده مقاله ،  سهل تر پذيراي مقاله خواهد شد .

نويسندگان تحليل  از جمله روزنامه نگاراني هستند كه فضيلت بيشتري درباب موضوعي كه تحليل   مي كنند ، دارند .  ذهن آنان تحقيقي و تاريخي است و داراي قدرت حافظه زيادي هستند و همچنين توانايي بالايي در انسجام اطلاعات و مربوط ساختن آنان با يكديگر را براي رسيدن به نتيجه اي مجاب كننده ، دارند .

       تحليل در انواع نشريات كاربرد دارد ، اما بعنوان مقاله تخصصي در نشريات تخصصي ، طالبان بسياري مي يابد. هر چند كه  در روزنامه هاي خبري و تحليلي و برخي از هفته نامه ها نيز جايگاه ثابت و طراز اول دارد .

**5- نقد مطبوعاتي**

     نقد مطبوعاتي ريشه در نقد ادبي دارد ، اما بخاطر موقعيت ، مخاطب و زبان خاص روزنامه نگاري ، پيچيدگي ها و دشواري هاي آن را ندارد و توضيح و روش علمي آن را الزام آور نمي داند .

     اگر نقد ادبي را « بررسي نويسندگان و آثار گذشته و معاصر آنان به منظور رفع ابهام و توضيح و ارزيابي آنها » تلقي كنيم براي ارائه تعريف در مورد نقد مطبوعاتي بايد تفاوتهاي عمده اين دو را در نظر داشت . عمده ترين تفاوت نقد ادبي و نقد مطبوعاتي در ارتباط آنها با خبر است . نقد مطبوعاتي مانند هر مقوله ديگر ژورناليستي به حفظ عينيت خبري بستگي دارد ، بنابراين منتقد مطبوعاتي در همه حال ، كارش تا حد بسيار نزديك با خبر نويسي و خبرنگاري است . در واقع منتقد مطبوعاتي اسير خبر است در حاليكه منتقد ادبي ، اين همه در قيد و بند خبر دادن نيست . براي منتقد مطبوعاتي الزاماً بايد رويدادهاي هنري ،  فرهنگي و ادبي رخ دهد تا به نقد بپردازد . در نتيجه اخباري بودن نقد مطبوعاتي از تفاوتهاي بارز اينگونه نقد است . نكته ديگر ايجاز در نقد مطبوعاتي است . نقد مطبوعاتي مانند ديگر مقاله هاي ژورناليستي بايد داراي ايجاز باشد ، زيرا حوصله مخاطب ، كمي جا در روزنامه و كثرت مطالب ديگر نمي گذارد نقد مطبوعاتي ، همچون نقد ادبي مفصل و بلند باشد . تفاوت ديگر درشكل ارايه نقد مطبوعاتي است . در هر حال نقد مطبوعاتي بايد شكل ژورناليستي و توصيفي خود را حفظ كند و برجستگي و جلاي روزنامه نگاري داشته باشد . در حالي كه نقد ادبي انواعي دارد كه با روش و نوع ديدگاه(نوع نقد ادبي) شكل مي گيرد .

       با شناخت چگونگي و تفاوتهاي نقد ادبي و نقد مطبوعاتي اكنون مي توان تعريفي از نقد مطبوعاتي ارائه دارد :**نقد مطبوعاتي ، ارزيابي و قضاوت درباره يك رويداد خبري  ،هنري ، ادبي و فرهنگي است كه به منظور بررسي نكات مثبت و منفي آن رويداد صورت مي گيرد.**

      البته نقد در مورد رويدادهاي سياسي ، اقتصادي و اجتماعي به مفهوم خاص آن نيز وجود دارد كه در بحث ديگر مقاله هاي مطبوعاتي به آن اشاره شد و در اين جا صرفاً به نقد مطبوعاتي از جنبه رويدادهاي هنري ادبي و بطور كلي فرهنگي پرداخته مي شود . همانطور كه بيش از اين آمده نقد فيلم  ، نقد نمايشنامه ، نقد شعر ، نقد كتاب ، نقد موسيقي و نقد هنرهاي تجسمي از عمده زمينه هايي هستند كه در مطبوعات به آنها پرداخته مي شود .

**نقد فیلم :**

**از نخستین نقدی که بر فیلم در ایران نوشته شد تا امروز 65 سال می گذرد سیر پیشرفت نقدی نویسی کاملا محسوس است اما به دلیل فقدان روحیه و فرهنگ انتقادپذیری ، نقد فیلم به اوج درجه حرفه ای خود نرسیده است.**

**در منابع گوناگونی که در مورد نقد فیلم انتشار یافته دو روش برون نگر و درون نگر مورد بررسی قرار گرفته است.**

**در روش برون نگر منتقد ،فیلم رابه عنوان یک پدیده جامعه شناسی مورد توجه قرار گرفته و بیشتر درباره فرضیه های اجتماعی ،معنوی و فلسفی آنمی نویسد و به دو مقوله 1- فیلم و جامعه 2 فیلم و عقاید می پردازد . هرکدام از این روشها هر چند مثبت اما فاقد بررسی ارزشهای هنری جامعه است.**

**در روش درون نگر ،منتقد به ارزیابی ، قضاوت و تفسیر جنبه های هنری فیلم می پردازدو به 1- صنایع بدیعی فیلم 2- وضع ظاهری ،حالت و فضای فیلم 3- سبک و سبک شناسی فیلم 4- ارزیابی فیلم می پردازد**

**در روشهای درون نگر منتقد ،تصاویر و صدا ،دیالوگ ،موسیقی فیلم ،بازیگری ، بازیگری ،صحنه ها ،رنگها ،حرکت ،دوربین ، نماها و... را به نقد و ارزیابی می کشد**

**نقد نمايش،شعر،موسيقي و هنهاي تجسمي :**

**نقد سایر پدیده های هنری نیز کم و بیش از معیار نقد فیلم پیروی می کند . نقد نمايش هم نگاه منتقد مي توان بر عوامل باطني و ظاهري مي باشد يعني هم تفكر نمايش مورد بررسي قراردهد هم بازيگري بيان صحنه و هماهنگي آنها را به نقد بكشد**

**نقدشعر: شعر نيز گوياي يك تفكر وپيام است واز جهت تركيب كلمات – ريتم – تصوير سازي در شعر واژه سازي و...... از نگاه منتقد دور نمي ماند.**

نقد کتاب :

نقد پوسترهای هنری:سادگی فرم و رسایی در پوستر امری ضروری است

نقد نمایشگاه:

**ب ) مقاله هاي وصفي ، تخيلي و داستاني**

       اين نوع مقاله ها از ذهن نويسنده مايه مي گيرد و قريحه و استعداد نويسندگي در اين مقاله ها به نحو باززي نمايان است . فضا سازي و ايجاد هيجان از ويژگيهاي اين نوع از مقاله هاست و به داستان كوتاه نزديك مي شود .

       وقتي گفته مي شود اين مقاله ها از ذهن نويسنده مايه مي گيرد به معناي خيالپردازي نيست، تخيلِ مجاز است كه خواننده مي تواند آن را حس كند و گاه ببيند ، زيرا اينگونه مقاله ها نيز همچون ديگر مقاله هاي مطبوعاتي بايد اخباري باشند و ايجاز در آنها رعايت شود .

      هر مقاله نويسي كه در مطبوعات بكار حرفه اي مي پردازد بايد داراي قلمي توانا و قدرت نويسندگي باشد . يك سرمقاله نويس بدون قدرت نويسندگي قادر نخواهد بود  موضوع را بپروراند و مخاطب خود را مجاب كند ،  بدين ترتيب در هر نوع نگارش بايد قدرت نويسندگي ، خود را بنماياند كه البته در مقاله هاي  وصفي ، تخيلي و داستاني اين قدرت در قالبي ديگر نمايان مي شود ، تم داستان   مي يابد يا وصف با تصوير سازي توأم مي شود .

**ويژگي هاي مقاله هاي وصفي – تخيلي – و داستاني**

    تصوير سازي ، قريحه نويسندگي و استعداد داستان نويسي ، تخيل مجاز ، داستان گونه بودن مقاله و ... از مهمترين ويژگيهاي مقاله هاي تخيلي ، وصفي و داستاني است .

1. تصوير سازي : در اين مقاله ها به جاي هر گونه توضيح و توصيف توام با تصوير به مقاله شكل مي دهد ودرتصوير سازي بالاترين حد است استدلال ها هم مبني بر تصوير سازي است و كمتر استنتاج صريح وجود دارد تصوير و توصيف بازگو كننده نتيجه مقاله است
2. قريحه نويسندگي و استعداد در داستان نويسي

 نويسندگان مقاله هاي تخيلي  – وصفي و داستاني داراي ذهن خلاق و فضا ساز هستند به سوژه هاي خبري از زاويه داستان نگاه مي كنند به همين دليل چهار چوب هاي داستان گونه يا طرح را در ذهن خود آماده و مانند بازيگران تئاتر و سينما پردازش نقش افرادرا مي كنند .

1. تخيل مجاز:

خبر وقتي در قالب داستان يا طرح در مي آيد ناگزير به تخيل روي مي آورد اما اين تخيل،خيال پردازي غير قابل درك وقلب حقيقت و بزرگ نمايي غير واقعي نيست ، تخيلي مجاز است كه خواننده مي تواند با آن ارتباط برقرار كند حس كند وببيند

1. داستان گونه يا طرح: اين مقاله ها شبيه داستان هاي كوتاه هستند اما ابعاد و ويژگيهاي فني داستان كوتاه را مي توانند نداشته باشند.   روزنامه نگار داستان نويسي نيست اما مي تواند نزديك به داستان بنويسد  ارتباط مستقيم اين گونه مقاله ها با خبر وايجاز ، آنها را از داستان كوتاه جدا مي كند.

**كاربرد مقاله هاي وصفي ، تخيلي و داستان** :

اين مقاله ها به خاطرجذابيت و گيرايي در سطح وسيع مخاطب دارند ودر انواع نشريات براي مخاطبان گوناگون كاربرد دارند به شيوه طنز هم مي توان آنها را نوشت.

  مقاله هاي وصفي ، تخيلي و داستاني كاربردهاي فراواني در مطبوعات دارند از جمله اينكه اين نوع مقاله ها در سطح وسيع بخاطر جذابيت وگيرايي شان مخاطب پيدا مي كنند و همچنين در انواع نشريات  براي مخاطبان گوناگون نيز كاربرد دارند . اين نوع مقاله ها را بصورت طنز نيز مي توان نوشت. همچنين مخاطبان كودك ، نوجوان و جوان را با اين تكنيك مي توان براي مطالعه بر سر شوق آورد . با تصوير سازي ، توصيف و تخيل به سهولت صورت مي گيرد به شرط آنكه هنر داستان سرايي و تصوير سازي نويسنده كاملاً قوي باشد .

نويسندة داستان گو ، به سهولت مي تواند واقعياتي كه لازم دارد از متن رويداد و واقعه بيرون بكشد اين مقاله ها گرچه ظاهري ساده فهم دارند ولي در عين حال مي توانند در عمق ،  پيچيده باشند و مخاطب كم حوصله ، عجول و همچنين نوجوي معاصر را بيشتر جذب كنند .

**ج) مقاله هاي تحقيقي ، علمي ، آماري و آموزشي**

      مقاله هاي علمي ، تحقيقي ، آماري و آموزشي ، مقاله هايي هستند كه بر پايه تحقيق و آمار در مورد موضوع هاي علمي و تخصصي نوشته مي شوند . اين نوع مقاله ها بيشتر در نشريات تخصصي مورد استفاده قرارمي گيرد. طبعاً هر چه دايره تخصصي محدودتر باشد ، عمق تخصص بيشتر است و زبان علمي خاص خود را مي طلبد اما نوع ژورناليستي اين مقاله ها زباني ساده تر دارد.

در مقاله هایی که داده اماری پایه اصلی مقاله قرار می گیرد باید از گرد اوری انبوه عدد و رقم در مقاله جلوگیری کرد .

   مقاله هاي تحقيقي و علمي بسته به نوع تخصص و جايگاه درج آن تغييراتي در شيوه نگارش مي يابند همانطور كه اشاره شد هر اندازه دايره تخصص در اين مقاله ها محدود باشد عمق مقاله هاي تخصصي بيشتر خواهد شد و به تبع آن نوع نگارش و زبان آن هم تخصصي تر مي شود .

**نگارش مقاله های تحقیقی ، علمی ، آماری و آموزشی**

نگارش این مقاله ها مبتنی بر روش تحقیق و تشریح است .در مقاله های تحقیقی ابتدا خلاصه ای از مقاله اورده می شود و پس از آن مقدکه که حاوی تشریح و موضوع مقاله است به تحریر در می آید. روش مطالعه ، نتیجه و تفسیر تحقیق از بخشها و عناوین بعدی مقاله است . چاپ جدولها ،نمودارهای آماری در جابجایی مقاله یک ضرورت است زیرا هم مقاله را به صورت در می آورد و هم سبب فهم سریع مخاطب می شود.

هر چند كه حكمي كلي براي نگارش تمامي اين نوع مقاله ها نمي توان ارائه كرد،  اما روش ياد شده در مورد اكثر مقاله هاي تحقيقي صادق است مگر آنكه يك مقاله تحقيقي را بخواهيم در يك روزنامه يا مجله عمومي به چاپ برسانيم، در اين صورت رونامه نگار طبعاً روش را ناديده مي گيرد و مقاله تخصصي را با رنگ ژورناليستي تبديل به مقاله اي  روزنامه اي مي كند . البته خميره مقاله يعني تحقيق ، حتي  در تغيير شكل و نگارش آن ، همچنان باقي مي ماند .

     در مقاله هاي تحقيقي ابتدا « خلاصه اي » از مقاله آورده مي شود و پس از آن «مقدمه» كه حاوي تشريح و موضوع مقاله است به تحرير در مي آيد . « روش مطالعه » ، « نتيجه» و « تفسير» تحقيق از بخشها و عناوين بعدي مقاله است  . چاپ جدولها و نمودارهاي آماري در جايجاي مقاله ، يك ضرورت است . زيرا هم مقاله را بصورت مستند در مي آورد و هم سبب فهم سريع مخاطب مي شود .

      مقاله هاي تحقيقي ، علمي ، آماري و آموزشي را الزاماً روزنامه نگاران متخصص نمي نويسند. موضوع هاي علمي و تحقيقي ، چنان فراوان و زمينه هاي آن بقدري گسترده است كه افراد متخصص را بسوي خود جلب مي كند و اين متخصصان هر يك به فراخور نوع تخصص خود به نگارش يافته ها و تشريح نظريه هاي خود مي پردازند .

      البته اين را بايد در نظر داشت كه نشريات متخصص صرف ، چندان نيازي به جذب مخاطب عام ندارند ولي در روزنامه ها و مجله هاي عمومي  ، روزنامه نگار متخصص بخوبي قادر است تا هم خود يك مقالعه علمي به روش ژورناليسم بنويسد و هم مقاله اي تحقيقي و علمي را كه يك متخصص تحرير كرده است تبديل به يك مقاله مطبوعاتي كند .

**جایگاه مقاله های تحقیقی ، علمی و...**

مقاله های تحقیقی و علمی بسته به نوع تخصص و جایگاه درج آن تغییراتی در شیوه نگارش می یابند . مقاله های تحقیقی ، علمی ، آماری و آموزشی با توجه به جایگاه درج آن در روزنامه ، مجله عمومی یا تخصصی از نظر زبان نگارش و دایره تخصص با در نظر گرفتن مخاطب آنها تحریر می شود . این مقاله ها از پایه های اساسی نشریات تخصصی هستند و مخاطبان زیادی بسته به نوع تخصص در میان دانشجویان ، استادان دانشگاه ، محقان و پژوهشگران و گردههای تحصیل کرده دارند.

**وظایف وسایل ارتباط جمعی**

یکی از مهمترین وظایف وسایل ارتباط جمعی به خصوص روز نامه ،گسترش دانش و اطلاعات مخاطبان در زمینه هایی است که در زمینه هایی است که امکان دسترسی و تجربه مستقیم از رویدادها و موضوع های مختلف برای آن فراهم نباشد . ارایه اطلاعات درست به منظور دستیابی به واقعیت های محیط اطراف با وجود عوامل گوناگونی که در فرایند انتقال اطلاعات از رویداد تا خواننده وجود دارد ، کار ساده ای نیست عوامل مختلف درون سازمانی و برون سازمانی بر این فرایند تاثیر متقابل دارند.

**اهداف پیام دهندگان**

ارتباط موفق در صورتی انجام می گیرد که بین اهداف پیام دهندگان و پیام گیران وجوه مشترکی وجود داشته باشد

1. اطلاع و آگاهی
2. آموزش
3. ترغیب و اقناع
4. تفریح و سرگرمی

**اهداف پیام گیران**

1. اگاهی از تهدیدها و فرصت ها ، شناخت محیط اطراف ، شناخت واقعیت ها ، دستیابی به تصمیم گیری
2. کسب مهارت و دانش لازم برای انجام وظیفه در جامعه ، یادگیری ارزش ها ، رفتار و نقش های مناسب برای پذیرش در جامعه
3. رسیدن به تصمیم گیری ، انطباق ارزش ها ، رفتار ها و نقش های قابل پذیرش جامعه
4. لذت بردن ، استراحت و سرگرمی ، گریز از مسایل روز

مقایسه سه رسانه رادیو ، روزنامه و تلویزیون و اهداف پیام دهندگان و پیام گیران نشان میدهد که وظایف رسانه ها در تامین مخاطبان یکسان نیست .

**جایگاه ، رسالت و مسئولیت اجتماعی روزنامه**

جایگاه ، رسالت و مسئولیت اجتماعی روزنامه در جوامع مختلف با ساختارهای سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی متفاوت به گونه های مختلف تبیین شده است رسالتی که برای روزنامه چه از نظر مخاطبان چه از نظر دولتها و از دیدگاه دست اندرکاران مطبوعات تصور می شود حاوی مشابهت ها و تفاوت هاست

نخستین قانون مطبوعات در سال 1326 و آخرین قانون مطبوعات در اسفند 1364 تصویب شد.

**شیوه های روزنامه نگاری**

1. روزنامه نگاری عینی
2. روزنامه نگاری تشریحی
3. روزنامه نگاری تحقیقی

**روش تحقیق**

برای بررسی دیدگاههای خوانندگان در مورد جایگاه ، رسالت و مسئولیت اجتماعی روزنامه از روش کیو استفاده شده است . روش کیو تکنیکی است تحقیقی که برای رتبه بندی گویه های مورد بررسی (عبارت ، جمله ، عکس ، خبرو...)با استفاده از مقیاسی شبیه لیکرت انجام می گیرد.

**نتیجه گیری**

**1**-خوانندگان تمایل به روزنامه ای دارند که منعکس کننده واقعیتهای جامعه باشدتا انان بتوانند درک درستی از دنیای خارج از محیط اطراف داشته باشد انان روزنامه نگاری عینی – تشریحی- انتقادی را بر سایر شیوه ها ترجیح می دهندو می خواهند روزنامه واقعیت ها را همانگونه که رخ داده منعکس کند و نه به صورتی که دیگران مایلند

2-خوانندگان معتقدند روزنامه در برابر خواننده مسئول است و باید در انتخاب و ارائه مطالب وقت کافی داشته باشدو نباید هر مطلبی را چاپ کند و نسبت به تاثیر سیاسی اجتماعی و اخلاقی مطلب خود احساس مسئولیت کند

3-یک دسته از خوانندگان اعتقاد به عینی گرایی مطلق دارند و روزنامه را مجاز به چاپ هرگونه عکس و مطلب می دانند اما دسته دیگر معتقدند مسئولیت اجتماعی روزنامه سنگین و خطیر است .

**تیتر نویسی در مقاله**

 انواع تيتراز نظر واژه

الزامي كه براي تيتر خبر وجود دارد اين است كه تيتر بايد جمله اي كامل باشد هر چند تعدادكلمات تيتر محدود باشد اما در مقاله مي توان از يك كلمه تا يك جمله تيتر نوشت

تيترهاي يك كلمه اي بايد مفهوم مقاله را برساند وخواننده را آگاه سازد كه مقاله در حدود چه موضوعي است .

برای مثال برای مقاله ای تیتر "پرستار" انتخاب می شود خواننده متوجه می شود که مقاله به مناسب روز پرستار یا درباره پرستار نوشته شده است .

تيترهاي دو كلمه اي بايد طرح كلي موضوع مقاله رابرساند. برای مثال تیتر دوکلمه ای " سياست خارجی" برای خواننده روشن می سازد که مقاله در باب سیاست خارجی نوشته شده است

تیترهای سه کلمه ای مفهوم روشنتري از موضوع مقاله را ارائه مي دهند "خشونت والدين با کودکان "يا "كتك خطرناك است"

**انواع تيتر از نظر دستوري** (از نظر نوع جمله):

جمله اخباري براي تيتر نويسي روشن ترين مفهوم را از مقاله به دست مي دهد با اين نوع تيتر به مخاطب خبري اطلاع داده وگفته مي شود مقاله در مورد چه موضوعي است. مثال ‹‹اخبار جوانه زد›› ‹‹ در جلسه ديشب ››‹‹مانورهاي پاييز ناتو›› ،‹‹سياست خارجي كلينتون››

جمله های پرسشی برای تیتر در عین طرح سوال باید تلویحا پاسخ را هم بدهدمثل " عفو یا طرد ریچارد نیکسون "، "آهای ! کسی در راه آهن است"

جمله امري براي استفاده در تيتر نويسي در عين حال كه موضوع را مشخص مي كند به نوعي مفهوم انتقادي مقاله را ارائه مي دهد مثل : "جنگ نكنيد" ،" كمي مروت به خرج دهيد              “

 جمله تيتر مي تواند منفي هم باشد مثل : جنگ در شان انسان نيست- گران نفروشيد.

**تيتر استنباطي:**

تيترنويسي براي مقاله را شايد كاري سهل ممتنع يعني در حالي كه در حداقل زمان وبه سهولت مي توان نوشت اما ايجاد جذابيت براي خواننده و برانگيختن حس كنجكاوي اوكاري چندان ساده نيست  لذا براي نگارش تیتر مقاله توصيه مي شود از روش استنباطي بهره گيري می شود ، يعني برداشت صحيح از مقاله ها را به صورت يك يا چند واژه بيان كرد و از كلماتي بهره گرفت كه اگرچه در متن مقاله نباشد  اما مفهوم و برداشت مقاله را ارائه مي دهد.

انتخاب اين واژه ها براي تيتر اهميت بسزايي دارد واژه هايي كه بتواند خواننده را به شوق مطالعه آورد و خوشايند باشد مثال ‹‹عربستان بداند!لورنس مرده است"